



دکتر مهدی محسنیان راد،
هنجارها در سه کتاب مقدس
(تورات، انجیل و قرآن) : قم،
دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲
پژوهش حاضر در جستجوی
پاسخ این سؤال است که اگر
به‌گونه‌ای فرضی، سه تن از پیروان
معاصر سه دین ابراهیمی هم‌زبان،
در یک ارتباط میان فردی سه‌سویه
(مثلاً در ملاقات‌های هر بعد از ظهر
بر روی نیمکت‌های یک بوستان
شهری در نقطه‌ای از یک کشور
فارسی‌زبان یا پای کامپیوتر و از
طریق یکی از اتاق‌های گفت‌وگوی
اینترنت) بخواهند درباره مشابَهت‌ها و
تفاوت‌های «بایدها و نبایدها» کتب
مقدس خود گفت‌وگو کنند، به چه
دستاوردهایی خواهند رسید. به عبارت
دیگر، سه شهروند معمولی از میان
مؤمنان این سه دین، از طریق قرائت
کتاب آسمانی خود و نقل آن برای
یکدیگر، با چه هنجارها و یا بایدها و

بررسی کتاب هنجارها در سه کتاب مقدس (تورات، انجیل و قرآن) هاجر خاتون قدمی جویباری

است. تورات می‌گوید حضرت موسی
(ع) از سوی خداوند موسی (ع) از سوی
خداوند مأمور شد که بنی‌اسرائیل را از
دست فرعونیان نجات دهد و با خود
به سرزمین پربرکتی ببرد که خداوند
به این قوم عطا کرده است. موسی
مقاومت فرعون را با معجزه‌های خود
در هم شکست و در مسیر همین
مهاجرت بود که الواح ده فرمان بر او
ظاهر شد، همان الواحی که در قرآن
کریم، سوره اعراف، آیه ۱۴۵ آمده است
که در الواح بر موسی در هر موردی
پندی و بر هر چیز تفصیلی نگاشتیم. اما
آنچه از آن «هر چیز» در تورات آمده،
فقط ده فرمان به شرح زیر آمده است:
۱. برای خود خدایی جز من نگیرید؛ ۲.
به بت سجده نکنید؛ ۳. نام خدا را به
باطل نبرید؛ ۴. شنبه را گرامی بدارید؛ ۵.
پدر و مادر را احترام کنید؛ ۶. کسی را به
قتل نرسانید؛ ۷. زنا نکنید؛ ۸. بر همسایه
شهادت دروغ ندهید؛ ۹. بر همسایه
شهادت دروغ ندهید؛ ۱۰. به اموال و

ناموس همسایه طمع نورزید. می‌توان مشابه اکثر هنجارهای موجود
در ده فرمان را در هر سه کتاب مقدس نیز دید. به‌عنوان مثال خداوند
از طریق تورات، می‌گوید: برای خود بت نسازید (۰۱/۰۰۱/۰۲۶/۰۳)،
در انجیل گفته است: از بت پرستان نباشید [۰۷/۰۰۸/۰۲۱/۳۲] و در
قرآن آمده است: بتان را خدایان خود نگیرید [۰۱/۰۷۴/۰۰۶/۳۳].
تورات می‌گوید قتل نکنید (۰۲/۰۰۵/۰۰۹/۰۱)، انجیل همین سخن
را تکرار می‌کند و می‌گوید قتل نکنید [۰۲/۰۱۱/۰۰۲/۲۵]. قرآن
نیز پیام می‌دهد که یکدیگر را نکشید [۰۱/۰۸۵/۰۰۲/۳۳]. تورات
می‌گوید زنا نکن (۰۲/۰۱۳/۰۲۰/۰۲)، انجیل نیز تکرار می‌کند که
زنا مکن [۰۲/۰۱۹/۰۱۹/۰۶] و قرآن می‌خواهد که زناکار نباشید
[۰۸/۰۰۵/۰۰۵/۳۳] تورات می‌گوید به پدر و مادرت احترام بگذار
(۰۱/۰۱۶/۰۰۵/۰۵)، انجیل نیز همین را تکرار می‌کند؛ به پدر و
مادرت احترام بگذار [۰۶/۰۱۹/۰۱۰/۰۷] و قرآن نیز مشابه آن را مطرح
می‌نماید؛ با پدر و مادر با احترام سخن بگویند [۰۵/۰۲۳/۰۱۷/۳۳].

در میان این باید و نبایدها، مواردی نیز وجود دارد که کتب
مذکور با ذکر مأخذ، از کتاب قبلی نقل می‌کنند. به‌عنوان مثال،
موضوع تعطیل شنبه در دو کتاب مقدس دیگر نیز آمده است. در
قرآن هنگامی که خداوند به بیان رنجش‌های خود از اعمال قوم
(۱۶۳/ سوره اعراف). انجیل نیز به این موضوع اشاره دارد، اما از
پیروانش می‌خواهد که اجازه ندهند یهودیان درباره کار کردن در روز
مقدس شنبه از آنان ایراد بگیرند (۰۴/۰۱۶/۰۰۲/۱۷). البته تورات
به‌شدت از این هنجار پاسداری کرده، می‌گوید: به فرمان ادونای
[خدا] شنبه را استراحت کامل کنید (۰۱/۰۲۳/۰۱۶/۰۲) در روز
شنبه غذا نپزید (۰۳/۰۲۳/۰۱۶/۰۲)، در هر جایی که باشید در روز

● نیاید‌های مشابه و متفاوتی مواجه خواهند شد؟ هنجارها در کنار باورها
● و ارزش‌ها یکی از سه جزء اصلی هر فرهنگ غیرمادی است و به دو
● دسته «نوشته» و «نانوشته» تقسیم می‌شود (۲۰۰۸، ferrante, p.۶۳).
● به نظر می‌رسد که تورات، انجیل و قرآن، از کهن‌ترین و ماندگارترین
● کتب حاوی «هنجارهای نوشته» در میراث انسان معاصر است، اما
● این میراث در بستری مطالعه می‌شود که اجزائی که می‌تواند نماینده
● همان مفهوم شناخته شده حوزه علوم ارتباطات، یعنی «زمینه ارتباط»
● را تشکیل دهد. محتوا و ساختار زمینه ارتباط، گاه آن قدر پر سابقه و
● دیرینه است که اندیشمندان همچون جوت، آن را «زمینه تاریخی
● - اجتماعی» نامیده‌اند (Jowett, ۱۹۹۲, p.۲۶۴). در واقع، آن سه نفر
● گفت‌وگو کننده فرضی ما، اگر چه از زبان مشترک استفاده می‌کنند،
● و به دلیل تفاوت دین، خواهی - نخواهی در سه زمینه تاریخی -
● اجتماعی تا حدودی متفاوت با حافظه‌های جمعی مختلف قرار دارند.
● به‌عنوان مثال، اگر این سه نفر فرضی در ترکیه باشند، نمی‌توانند
● از زمینه تاریخی اجتماعی که به‌صورت حافظه جمعی در باب قتل
● عام‌های هم‌کیشان خود دارند، رها باشند. به همین دلیل فصل اول
● اثر حاضر، نگاهی بسیار مختصر به بستر شکل‌دهنده زمینه ارتباطی
● قرائت‌کنندگان معاصر سه کتاب مقدس دارد.

کهن‌ترین هنجار سه کتاب مقدس

آن‌چه حدود سه هزار و دویست سال پیش در کوه سینا به
صورت الواح ده فرمان، بر موسی (ع) نازل شد، کهن‌ترین هنجارهای
کتب مقدس سه دین ابراهیمی است. ماجرای که گزارش آن علاوه
بر تورات (باب ۲۰ کتاب شموت) در قرآن (آیه ۱۴۵، سوره ۷) نیز آمده





شبات آتش روشن نکنید (۰۳۵/۰۲/۰۳/۰۱)، در روز شبات چارپایت هیچ کاری نکنید (۰۲/۰۲۰/۰۱۰/۰۷)، هرکس را که در روز شبات کار کند حتماً به حکم دادگاه شرع، او را بکشید (۰۳۱/۰۲/۰۱۵/۰۳). آیا

می‌توان خواسته‌ها و فرمان‌هایی را که در سه کتاب مقدس آمده، آن گونه که در مباحث جامعه‌شناسی مطرح شده، «هنجار» نامید؟ اما در خلال پژوهش حاضر، این نکته آشکار شد که آنچه ما در جستجوی آن هستیم، به سه دلیل، فاقد خصلت‌های عام «هنجار» در مباحث جامعه‌شناسی است: نخست آنکه خاستگاه یا محور آن چه می‌خواهیم هنجارها در سه کتب مقدس بنامیم، الزاماً اجتماع و حاصل اکثریت یا میانگین جمعیت نیست؛ آن چنانکه در قرآن، آیه ۱۰۰ سوره ۵ آمده است: «[ای پیامبر] بگو هرگز ناپاک و پاک مساوی نیستند، اگر چه کثرت [جمعیت] ناپاک‌ها، موجب خشنودی شما شود. دوم، در نگاه جامعه‌شناختی، رابطه‌ای تنگاتنگ میان ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد. گفته شده که ارزش‌ها نماینده خوب و بد و هنجارها نماینده باید و نباید هستند. پس مشابه دو روی سکه‌اند. هنجار می‌گوید رفتار چگونه باشد و ارزش، مبنای قضاوت درباره آن رفتار است. البته برخی نیز ارزش‌ها را زیر بنای هنجارها می‌دانند، آن چنانکه برون داد چنین پدیده‌ای را در برخی جوامع اسلامی می‌توان دید که بسیاری از مردان مسلمان در ارزش بودن طلا تردید ندارند (جهت‌گیری مثبت به آن دارند) اما انگشتر طلا به دست نمی‌کنند (از این نظر، جهت‌گیری منفی نسبت به آن دارند). کتب آسمانی، مملو از خوب‌ها و بدهاست. نماد بارز آن، مثال «خمر» در آیه ۱۵ سوره ۴۷ قرآن است که از رودهایی در بهشت سخن رفته که در آن باده‌ای جاری است که برای نوشندگان لذتی است و در آیه ۲۱۹ سوره ۲، نوشیدن شراب گناهی بزرگ محسوب شده است. تلفیق این دو آیه نشان می‌دهد که در کتب مقدس، در مواردی نه تنها ارزش، آن سوی سکه هنجار نیست، بلکه مغایر هنجارهاست. به عبارت دیگر، خمر در آیه ۱۵ سوره ۴۷، جزو توصیف‌هایی است که برای بهشت آمده و کاملاً ارزش مثبت است و از آن سو، در آیه ۲۱۹ سوره ۲ و یا در آیه ۹۰ سوره ۵ شراب [نوشیدن] پلید، گناه. از اعمال شیطانی و به صورت هنجار منفی مطرح شده است. سوم آنکه می‌دانیم از دیدگاه جامعه‌شناسی، از تجمع ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه - در هر مقطع از زمان - نظام هنجاری آن مقطع حاصل می‌شود. بنابراین جامعه‌شناسی می‌تواند این موضوع را امری طبیعی بداند که نظام هنجاری پانصد سال پیش ایران (نظام الف) با نظام هنجاری امروز (نظام ب) آن متفاوت باشد و به همین ترتیب این دو نظام با مثلاً دو نظام مشابه هندوستان تفاوت داشته باشد؛ درحالی که در کتب مقدس، آن چه به صورت هنجار مطرح شده، تابع زمان و مکان نیست. به این ترتیب و بنا به سه دلیل فوق، تصمیم گرفته شد که به جای استفاده از واژه هنجار، که در عنوان طرح تحقیق مصوب آمده بود، بیشتر از اصطلاح «باید - نباید» استفاده شود که متناسب‌تر با فضای تحلیلی موجود است. ضمن آنکه به منظور اجتناب از اصطلاح کمتر شناخته شده «بایدها و نبایدها» در ادامه نیز بارها از اصطلاح هنجار استفاده شده، که مقصود همان باید و نباید مورد بحث در اینجا است.





نگاه قرآن به دو کتاب مقدس دیگر

مسلمانان با تکیه بر آیات سوم و چهارم سوره آل عمران بر این باور بودند که تورات و انجیل نیز از سوی خداوند نازل شده است، زیرا در آن آیات آمده بود که «این کتاب را در چه حالی که مؤید آنچه [از کتاب‌های آسمانی] پیش از خود می‌باشد، به حق بر تو نازل کرد، و تورات و انجیل را پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد، و فرقان [جداکننده حق از باطل] را نازل کرد (آل عمران، ۴-۳). یا آن که می‌دیدند که خداوند در آیه ۴۶ سوره مائده، برای محتوای انجیل و تورات، از صفت نور استفاده کرده است (ماسون، ۱۳۸۶، ص ۳۴۷)، اما از آن سو با تکیه بر آیات ۴۱-۴۳ سوره مائده، به این نتیجه رسیده بودند که وحی را که خداوند به یهودیان داده بود، آنان پنهان و تحریف کرده‌اند. در آن آیات آمده است: «گروهی از یهودیان... سخنان را از مفهوم اصلی‌اش تحریف می‌کنند... درحالی که تورات نزد ایشان است و حکم خدا در آن وجود دارد. پس از آن هم روی می‌گرداند و ایمان نمی‌آورند» و طبق آیه ۱۷۱ سوره نساء، به این نتیجه می‌رسیدند که مسیحیان نیز به کلام خدا بی‌وفایی کرده‌اند: «ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید و درباره خدا غیر از حق نگویید. مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه اوست که وی را به مریم القا نمود و روحی از طرف او بود. بنابراین، به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگویید: «سه‌گانه است»؛ خودداری کنید که برای شما بهتر است. [مقصود از تعبیر «سه‌گانه» این سخن است که می‌گویند خدا دارای یک جوهر، ولی دارای سه اقنوم است: اقنوم پدر و اقنوم پسر و اقنوم روح‌القدس حیات وی است. نقل از زمخشری، الکشاف، ذیل آیه] خدا تنها خدای یگانه است؛ او منزله است که فرزندی داشته باشد.

گفت‌وگوی بدون واسطه درباره کتب مقدس

در ارتباطات میان ملل، گفتگوی میان مردم درباره دین یک دیگر که می‌توانسته یکی از مهم‌ترین حوزه‌های «ارتباطات میان فرهنگی» باشد، هنوز اتفاق نیفتاده و به جای آن گفت‌وگوی روحانیون ادیان مختلف با یکدیگر انجام شده است. (از نظر آماری، استثناهایی چون حضور مؤمنان هم‌زبان سه دین ابراهیمی در اورشلیم قبل از جنگ‌های صلیبی نمی‌تواند نقیض این امر عام باشد). در نتیجه این گونه ارتباطات، تابع انگیزه‌ها و ماهیت عملکرد مبلغان ادیان بوده است. می‌دانیم طبق اصول کلی تبلیغات بازرگانی و تبلیغات مسلکی، هدف غایی مبلغ، تعریف و تمجید از کالا و مسلک خود و نفی کالا و مسلک دیگری است. اما اینکه چرا توده‌های مؤمنان ادیان مختلف، برای فهم ادیان یکدیگر، نتوانسته‌اند خود وارد عمل شوند، دلایل مختلفی دارد. ممکن است تصور شود دشواری‌های جابه‌جایی انسان‌ها در اعصار قبل از انقلاب صنعتی عامل مهمی بوده، درحالی‌که پس از اختراع و توسعه ابزارهایی چون تلفن، رادیو، تلویزیون و از این قبیل و حتی با وجود ابزارهای نوینی چون اینترنت و ماهواره در دهکده جهانی، باز هم این اتفاق به جز برخی استثناها همچون اتاق‌های گفتگوی ادیان در فضای مجازی روی نداده است. به نظر من، عدم فهمی زبان‌های مختلف نقش مهمی داشته است. اما این وضع دیری نخواهد پایید و ظرف چند دهه آینده، با ورود به «بازار پیام» و با توسعه هوش

شهرهای خویش و اطراف آن دیری و کلیسایی و قلعه‌های و صومعه راهبی احداث نکنند و هر چه از این اماکن که ویران شود یا در محله‌های مسلمانان باشد، در شب یا روز از نو نسازند، دروازه‌های خود را

برای عابران و مسافران باز نگذارند و هر کس از مسلمانان که از شهر آنان عبور کند [اگر مایل بود] سه روز میهمان آنان باشد و به او غذا دهند. آن‌ها متعهد شدند که جاسوسی را در کلیساها یا منزل خویش پناه ندهند و او را از مسلمانان پنهان نکنند، به کودکان خویش قرآن تعلیم ندهند [!]. دین خود را ظاهر نکنند و کسی را به سوی آن نخوانند و هیچ یک از بستگان خود را احترام گذارند و هنگامی که بخواهند بنشینند، جلو پایشان برخیزند. جلوی سر خود را بتراشند. خود را در هیچ چیزی از لباس مانند کلاه و عمامه و کفش و موی سر به مسلمانان شبیه نکنند، روی انگشتری خویش چیزی به خط عربی ننویسند، در هر جا باشند کیفیت لباس خود را نگه دارند و زنار بر میان بندند. مانند مسلمانان سخن نگویند و نام‌های آنان را بر خود نگذارند. روی زین اسب سوار نشوند و شمشیر نبندند و هیچ سلاحی برندارند و با خود حمل نکنند. شراب نخرند، شمشیرها و کتاب‌های خود را در مسیر مسلمین و بازارهایشان آشکار نکنند، ناقوس‌های خود را در کلیساهای خویش در حضور مسلمانان بلند نکنند و صدای تشییع جنازه‌های خود را بلند نکنند و در مسیر مسلمانان و بازارهایشان آتش نیافروزند و مردگان خویش را کنار آنان دفن نکنند، بردگانی را که در سهم مسلمانان افتاده، نگیرند، منازل خود را بالاتر از منازل مسلمانان نسازند. در انتهای ذمه نامه نوشته بودند: «ما این شرایط را برای خود و هم‌کیشان خویش می‌پذیریم و امان را طبق آن‌ها قبول می‌کنیم. هرگاه ما با چیزهایی که پذیرفتیم و آن را در ذمه خود ضامن شدیم، مخالفت کنیم، ذمه‌ای برای ما نیست و امور که برای دشمنان و مخالفان رواست، برای ما نیز رواست.» خلیفه دوم ضمن پذیرش این پیمان‌نامه، دو ماده دیگر بر آن افزود: یک آنکه هیچ یک از اسپران مسلمان را نخرند و دوم اینکه هر کس از آنان مسلمانی را عمدا بزند، عهد خود را شکسته باشد. می‌توان تصور کرد هنگامی که مسلمانان بر بیت‌المقدس سرزمین عجیبی است که در طول تاریخ بیشترین کنش متقابل پیروان سه دین - چه جذبی و چه دفعی - را تجربه کرده است. در واقع، آنجا هم حلقه اتصال سه دین ابراهیمی و هم منشأ اختلاف هزار ساله آن‌هاست. دایره‌المعارف فارسی مصاحب بیت‌المقدس را محل استقرار داوود پیامبر و سلیمان نبی می‌داند و در نقل تاریخچه آن می‌نویسد که در قرن ششم قبل از میلاد، به وسیله بابلیان اشغال و در قرن ۱۲ قبل از میلاد، سرزمین مقدس پیروان موسی (ع) شد. بعدها و تا سال ۷۰ میلادی، جایگاه امن مسیحیان بود تا آنکه ارتش ضد مسیحیت روم آنجا را فتح و معبد یهودیان را ویران کرد و بیت‌المقدس تبدیل به مرکز بت پرستی رومیان شد. با مسیحی شدن امپراتور روم شرقی، اورشلیم تجدید حیات کرد و حتی گفته شده که به دستور مادر امپراتور، بسیاری از امکنه مقدس آنجا کشف و تعمیر شد. بنابراین هنگامی که در سال ۶۲۱ میلادی حضرت محمد (ص) مبعوث و نزول قرآن آغاز شد، بیت‌المقدس برای دو دین قبلی ابراهیمی - یهودیان و مسیحیان - گرامی و زیارتگاه بود.





مصنوعی و کشف روش‌های ذخیره‌سازی اطلاعات
انبوه در فضاهای میکروسکوپی و حل مسئله درک
زبان‌های مختلف، تحولی در حوزه ارتباطات میان

فرهنگی در حوزه دین به وقوع خواهد پیوست. اگر
در تاریخ، شواهدی از گفت‌وگو میان مبلغان ادیان - نه پیروان ادیان -
با یکدیگر ثبت شده، بیشتر شکل یک مسابقه را داشته و هر یک از
طرفین در تلاش حقانیت خود نسبت به سایر ادیان بوده‌اند. به‌عنوان
مثال در قرن ۹ میلادی، جلسات گفت‌وگو میان روحانیون در دربار
مأمون عباسی برگزار و به دستور خلیفه، متن مناظره تندنویسی و ثبت
می‌شده است که حاصل آن، رساله کهن «گجستک ابالیس» است.
البته به ندرت، گفت‌وگوهای خودجوشی به وسیله پیروان ادیان انجام
می‌شده که فرصت‌هایی را برای کشف مشابهت‌ها - به جای تمرکز
بر تفاوت‌ها - فراهم می‌کرده است. از نمونه‌های چنین پدیده‌ای
می‌توان به یادداشت‌های حدود سال ۱۷۶۶ میلادی حزین لاهیجی،
شاعر و اندیشمند ایرانی اشاره کرد که حاصل گفت‌وگوهای از سر
کنجکاوی او برای شناخت ادیان دیگر، غیر تبلیغاتی و فارغ از هدف
تغییر دین طرف مقابل بوده است. حزین در عصری زندگی می‌کرده
که ۱۵۰ سال قبل، پس از اولین جنگ ایران و عثمانی، حکومت وقت
بنا به دلایلی، هزاران ایرانی مسیحی هم‌مرز با عثمانی را حدود ۱۴۰۰
کیلومتر کوچاند و در کنار پایتخت ساکن کرده است (مصاحب، ۱۳۴۵،
ص ۷۴۵). حزین می‌نویسد «هنگامی شوق به آگاهی از مسائل و
حقایق ادیان و ملل مختلف در من پدید آمد، با علمای مسیحی به
گفت‌وگو می‌نشستم. در میان این افراد، کشیشی بود به نام آوانس که
عربی و فارسی را از او آموختم. او نیز اطلاعات بسیار درباره اسلام
کسب کرد.

توضیحاتی درباره روش تحقیق

تاکنون مطالعات تطبیقی چندی در باب مقایسه محتوای سه
کتاب آسمانی، قرآن، انجیل و تورات - چه عینی گرایانه و بی‌طرفانه
و چه سوگیرانه و جانبدارانه - انجام شده که در فصل اول به برخی
از نمونه‌های آن‌ها اشاره شد. مطالعه حاضر از چند نظر با طرح‌های
مذکور متفاوت است: ۱. موضوع را از پشت پنجره فراگرد ارتباط نگاه
می‌کند؛ ۲. از روش «تحلیل محتوای عمقی» استفاده می‌کند که در
عملیات تحلیل، کدگذاری از مسیر «کلیدواژه گذاری» متن دنبال
می‌شود؛ ۳. از نرم‌افزار جدید و منحصر به فردی استفاده کرده است
که سایر محققانی که به تحقیق درباره سه کتاب مقدس اقدام کرده‌اند،
آن را در اختیار نداشته‌اند (یکی از ویژگی‌های نرم‌افزار MRP فراهم
کردن شرایط برای انجام کدگذاری معکوس از طریق کلیدواژه‌گذاری،
ثبت چند کد در یک سلول به منظور کشف تقارن‌ها و همچنین
فراهم کردن شرایط برای دستیابی به ضرایب روایی بالاتر در تحلیل
محتواست) در مورد نگاه از پنجره ارتباطات، موضوع در سؤال اصلی
و ضمناً تخیلی نهفته است که در آغاز فصل اول نیز به آن اشاره شد.
سؤال این بود که اگر سه انسان معاصر: ۱. مسلمان پایبند به قرآن؛
۲. مسیحی پایبند به انجیل و ۳. یهودی پایبند به تورات - اما غیر
روحانی، غیرمحقق و بی‌تمایل در مراجعه به تفاسیر کتب آسمانی
بخواهند به‌صورت شفاهی و با امکان فهم زبان‌ها فراهم شود - به

یک ارتباط میان فردی سه‌سویه در باب مشابهت‌ها
و تفاوت‌های «بایدها و نبایدهای» کتب مقدس خود
بپردازند، بیشترین دستاورد آن‌ها چه خواهد بود؟ به
عبارت دیگر مؤمنان این سه دین، از طریق قرائت
کتاب آسمانی خود برای یکدیگر، با چه بایدها و نبایدهای مشابه و
متفاوتی مواجه خواهند شد؟ چنین ارتباط گرانی، همان گروه هستند
که در قرون گذشته نیز وجود داشته و ابراهیم ابوالعافیه، از آنان
به‌صورت عامه مردم از مردان و زنان و کودکان و برخی از دانایان
تعریف کرده که طریقه اول فهم کتب مقدس یعنی فهم معنای ساده
متن را دنبال می‌کنند و دین را به شیوه متعارف به‌دست می‌آورند.
آن‌ها گروهی‌اند که می‌توان حدس زد که اکنون در جمعیت یک
میلیارد و ۹۸۱ میلیون مسیحی، یک میلیارد و ۴۳۷ میلیون مسلمان
و جمعیت ۱۳ میلیون و ۴۳۹ هزار یهودی جهان معاصر سهم بالایی
دارند. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است: مسلمانان، یهودیان و
مسیحیان هم زبان - غیرروحانی - در نقل حاصل از قرائت کتاب
آسمانی خود، با چه بایدها و نبایدهای مشابه و متفاوتی مواجه خواهند
شد؟ این تحقیق بر ترکیبی از دو نظریه متکی است: ۱. تعمیم نظریه
علامه طباطبایی از قرآن به دو کتاب مقدس دیگر که می‌گوید:
«قرآن کریم برای تبیین مبانی و تفهیم مفاهیم و دلالت بر مدالیل
خویش از هر چیزی بی‌نیاز و مستقل است. فهم معانی قرآن از طریق
تدبر در خود قرآن به‌دست می‌آید. علامه طباطبایی بر این باور است
که برای آنان که با لغت عرب آشنایی دارند، مشکلی در زمینه فهم
قرآن وجود ندارد و هیچ‌گاه دیده نشده که افراد در مفهوم آیات با هم
اختلاف داشته باشند، بلکه تمامی اختلافات مفسران و علماء در زمینه
فهم و تلقی قرآن یا در عرصه مصادیقی است که مفاهیم لفظی، اعم
از مفرد و مرکب بر آن منطبق‌اند و یا در زمینه فهم مدالیل آن‌هاست.
علاوه بر این، راه تفسیر به رجوع به روایات تفسیری منحصر نیست و
روشن شدن معانی و مفاهیم قرآن کریم به‌طور کلی متوقف بر روایات
نمی‌باشد؛ زیرا اگر چنین باشد، دور باطل لازم می‌آید. این نوع نگاه
را می‌توان از همان دهه‌های نخستین اسلام در میان «کبار صحابه»
یافت که فضای غالب در میان آنان، فضای عدم علاقه به تفسیر بود
اما به دنبال اولین تحولات عظیم اسلام و از حدود سال ۱۳ هجری
قمری، گروهی شکل گرفتند که در کتب تاریخی به‌طور گسترده‌ای
تحت عنوان «صغار صحابه» نامیده شده‌اند. آن‌ها به دو دسته تقسیم
می‌شدند. دسته‌ای که همچون کبار صحابه مخالف تفسیر بودند و
«قرآء صحابه» نامیده می‌شدند و دسته‌ای که موافق تفسیر بوده و به
آنان «مفسران صحابه» می‌گفتند. دکتر احمد پاکتچی درباره «قرآء
صحابه» می‌نویسد: «منظور از قرآء یعنی کسانی که اصرار داشتند بر
اکتفاء به قرائت قرآن و این که نباید کسی اقدام به تفسیر قرآن بکند و
این کار را نادرست می‌دانستند.» مثلاً در بصره، «ابو موسی اشعری»
از نسل کبار صحابه بود و از شخصیت‌ها قرآء محسوب و صاحب
مصحف و راوی قرائت بود و شاگردانش به عنوان قرآء شهرت داشتند
و از کسانی است که به شدت با تفسیر مخالف بود. در نقطه مقابل
آن‌ها، مفسرین قرار داشتند که معتقد بودند که قرائت قرآن به تنهایی
کافی و بسنده نیست و قرآنی که خوانده می‌شود، باید تفسیر هم
بشود ... شاید امروزه در برخورد با این قضیه [دریافت‌های قاریانه از



قرآن در مقابل دریافت‌های مفسرانه از آن احساس کنیم چه جدل بی‌پایه‌ای بوده؛ چرا که هر دو گروه می‌توانسته‌اند به رشته تخصص خویش بپردازند... اما

در دوره صفار صحابه، مسئله در حد دو رشته علمی دیده نمی‌شد، بلکه دو گروه بودند که در تقابل با یکدیگر قرار داشتند.^۲ بنابراین در پژوهش حاضر، با این نگاه که دریافت قاریانه، یکی از راه‌های فهم سه کتاب مقدس است و با تکیه به تلقی معاصرانی چون خانم طاهره صفارزاده که یکی از دو گزینه ما، ترجمه ایشان بوده و می‌نویسد: «تدبر در آیات قرآن مجید به آن توصیه فرموده، [برای غیر چرب‌زبان‌ها] در اثر مطالعه یک ترجمه آسان و قابل فهم و مضمون از ابهام میسر می‌شود»،^۳ کوشش شده که از طریق چنین دریافتی، به استخراج گزاره‌های مستقل به منظور دسته‌بندی‌های مضمونی اقدام شود؛^۲ پایه نظری در حوزه علوم ارتباطات طرح، یکی از مبانی بسیار ساده و اولیه، یعنی بخشی از مدل گونه ارتباطی هارولد لاسول است که می‌گوید برای شناخت فراگرد ارتباط باید پاسخ پنج سؤال را به دست آورد که دو سؤال از پنج سؤال مذکور، «چه می‌گوید؟» و «با چه کسی می‌گوید؟» است. حال اگر بخواهیم «چه می‌گوید؟» را در مورد سه کتاب مقدس دنبال کنیم، حوزه وسیعی از دسته بندی‌ها مطرح می‌شود که هر یک می‌تواند مبتنی بر پایه‌های نظری خاص خود باشد. در طرح حاضر، سؤال عام «چه می‌گوید؟» به دو سؤال فرعی تبدیل شده و بر آن سؤال کلی «با چه کسی می‌گوید» افزوده شده و در نتیجه سه سؤال زیر شکل گرفته است: ۱. سه کتاب مقدس چه «بایدها و نبایدهایی» را مطرح می‌کنند؟ ۲. پاداش‌ها و مجازات‌ها و به عبارتی دیگر، انگیزه یا ضمانت اجرای «بایدها و نبایدهای» آنان چیست؟ ۳. مخاطب «بایدها و نبایدها» چه کسانی‌اند؟

در این تحقیق، ۳۳ واحد پیام وجود داشت. این واحدها عبارت بودند از پنج سفر یا کتاب پرشیت، شُموت، وی ایکورا، بمیدبارو دیریم که محتوای کتاب عهد عتیق (مشهور به تورات) را تشکیل می‌دهند. چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا، به علاوه کتاب اعمال رسولان، چهارده رساله پولس، رساله یعقوب، دو رساله پطرس، سه رساله یوحنا، رساله یهودا، و مکاشفه یوحنا که کتاب عهد جدید (مشهور به انجیل) را تشکیل می‌دهد و قرآن. واحد زمینه غیر صریح در تورات فصل، در انجیل باب و در قرآن سوره‌ها و واحد زمینه صریح آیات بود. به این ترتیب واحد کدگزاره‌های حاوی باید و نباید استخراجی از آیات تشکیل داد.

کلیات دستاوردهای تحقیق

الف. توزیع تعداد گزاره‌ها در سه کتاب مقدس: پس از پنج نوبت بازبینی و در مواردی با وسواسی چندباره در انطباق دوباره برخی گزاره‌ها با آیات، تعداد گزاره‌ها به ۱۰۳۹۶ واحد رسید. از این تعداد ۴۴۹۰ گزاره (۴۳٫۲ درصد) از قرآن، ۳۱۱۵ گزاره از تورات (۳۰٫۶ درصد) و ۲۷۹۱ گزاره (۲۶٫۸ درصد) از انجیل استخراج شد. به طور متوسط از هر آیه گزاره هنجاری دار، ۱٫۶۳ گزاره استخراج شده است. از این نظر، قرآن و تورات کاملاً مشابه و میانگین هر کدام ۱٫۶۸، اما انجیل ۱٫۵۲ است. انحراف استاندارد بالای قرآن (۱،۳۸۲) نشانگر آن است که فاصله تعداد گزاره‌های آیات پرگزاره با کم‌گزاره در قرآن، بیش از دو کتاب

دیگر است. این پدیده را با جزئیات بیشتر نیز می‌توان دید که بالاترین تعداد گزاره استخراجی از تورات، استخراج ۱۰ گزاره از آیه ۱۴ فصل ۵ کتاب ۵ است، بالاترین انجیل با ۱۱ گزاره مربوط به آیه ۱۱ فصل ۵ کتاب ۱۲ انجیل می‌باشد. اما از آیه ۲۴ سوره ۹ قرآن تعداد ۲۴ گزاره و یا از آیه ۳۱ سوره ۲۴ کتاب مذکور ۱۸ گزاره استخراج شد.

غور و بررسی مکرر مضامین ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی، نشان داد که نخستین مشابهت پایه و بنیادی سه کتاب مقدس، آن است که گزاره‌های هنجاری هر یک از آن‌ها را می‌توان به دو دسته از بایدها و نبایدها تقسیم کرد دسته‌بندی که کار بسیار دشواری بود دلایل این دشواری را می‌توان در توضیحاتی دید که در فصل دوم گزارش حاضر از آن‌ها یاد شد. در آن جا گفته شد که در بسیاری از موارد به وضوح و گاه با کمی دقت و تعمق می‌توان دریافت که بیان هنجارها در سه کتاب مقدس، گاه به گونه باید و گاه به شیوه نباید بیان شده است. به‌عنوان مثال در آیه دهم فصل نوزدهم کتاب سوم تورات، «باید» در چنین قالبی آمده: «دانه‌های ریخته شده انگور تاکستان را برای فقیر رها کن» و در آیه نهم فصل نوزده همان کتاب، مفهوم مذکور در قالب «نباید» این گونه ارائه شده است: «هنگامی که حاصل زمین را درو می‌کنی، گوشه صحرا را (برای فقرا) درو نکن» اما گاه به نظر می‌رسد که بیان یک مفهوم که به هر دو قالب باید یا نباید می‌توانسته بیان شود، در نگاه زمینی، یکی از دو قالب ارتباط را سهل‌تر می‌کرده است. اما در کتاب مقدس از قالبی دیگر انتخاب شده که حتما در پس آن نیتی بوده است. مانند قالب نباید، در گزاره آیه سوم سوره هفتم قرآن که در ظاهر اگر قالب باید می‌گرفت رمزخوانی آن سهل‌تر می‌شد. گزاره مذکور می‌گوید: «از آنچه از سوی پروردگارتان به سوی شما فرستاده شده، به اندک پند نگیرید.» با این توضیح در هر سه کتاب، سهم بایدها بیش از نبایدهاست. اما این فاصله در تورات بسیار بیشتر (بایدها ۷۲٫۲ و نبایدها ۲۷٫۸ درصد) و در قرآن کمتر از دو کتاب دیگر است (بایدها ۵۳٫۱ و نبایدها ۴۶٫۹ درصد) دسته‌بندی گزاره‌ها از نظر مضامین گزاره‌ها در گام اول به ۱۲۳ مضمون باید و نباید تقسیم شد. آنگاه ۱۲۳ مضمون به ۱۸ و متعاقباً به شش دسته اصلی تقسیم گردید: ۱. ما و خداوند؛ ۲. ما و انسان‌های مقدس؛ ۳. ما و کتاب‌ها، مکان‌ها و زمان‌های مقدس؛ ۴. ما و خصلت‌های اعمال شخصی؛ ۵. ما و کنش‌های متقابل اجتماعی؛ ۶. وظایف و منش‌ها برای تبلیغ دین و ارشاد.

دسته هیجده‌گانه مضامین همان گونه که در بالا گفته شد، ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی، در یک دسته‌بندی هیجده‌گانه نیز تنظیم شد که در ادامه، داخل دسته‌های شش‌گانه ای که به آن اشاره شد، نیز جای گرفت. ۱. ما و معرفت به خدا؛ ۲. ما و رابطه با خدا؛ ۳. ما و عبادت خدا؛ ۴. ما و اطاعت از خدا؛ ۵. ما و شیطان، فرشتگان، و مجازات خداوند و جهان دیگر؛ ۶. ما و پیامبران؛ ۷. ما و کاهنان، حواریون، اولیا و قدیسیں؛ ۸. ما و کتاب‌های مقدس؛ ۹. ما و مکان‌های مقدس؛ ۱۰. ما و زمان‌های مقدس؛ ۱۱. ما و خصلت‌های فردی؛ ۱۲. ما و اعمال شخصی؛ ۱۳. ما و کنش‌های متقابل عام؛ ۱۴. ما و کنش با افراد و گروه‌های خاص؛ ۱۵. وظایف و منش ما در دعوت دیگران به خدا، دین و رفتارهای بهنجار؛ ۱۶. وظایف و منش روحانیون در دعوت





دیگران به خدا، دین و رفتارهای بهنجار؛ ۰.۱۷. بایدها و نبایدهای خداوند برای وظایف و منش پیامبرانه؛ ۰.۱۸. بایدها و نبایدهای خداوند برای وظایف و منش کاهنان، حواریون، اولیا و قدیسیان.

دسته‌بندی هشت‌گانه مخاطبان گزاره‌ها

مخاطب نزدیک به نیمی از گزاره‌های استخراجی (۴۶ درصد) پیامبران بوده‌اند. اما هنگامی که به نتایج هر یک از سه کتاب توجه می‌کنیم، به یکی از بارزترین تفاوت‌های سه کتاب مقدس دست می‌یابیم. براساس تشخیص همکاران کدگذار، در انجیل، هیچ یک از آیات مبنای استخراج گزاره‌ها، خطاب به حضرت عیسی (ع) نبوده است، درحالی‌که مخاطب ۷۳،۹ درصد گزاره‌های تورات، حضرت موسی (ع) و ۵۵،۳ درصد گزاره‌های قرآن، حضرت محمد (ص) بود. در عوض ۱۷،۴ درصد گزاره‌های انجیل، مخاطبی از گروه حواریون داشت. همان‌طور که کاهنان مخاطب ۳،۴ درصد گزاره‌های تورات بودند. یکی از دیگر تفاوت‌های انجیل با دو کتاب مقدس دیگر، آن است که بیش از یک چهارم (۲۷،۱ درصد) از مخاطبان گزاره‌های هنجاری آن را افراد و گروه‌های خاص (بدون جهت‌گیری منفی و یا مثبت نسبت به آنان) تشکیل می‌دهد (اسامی این افراد در فصل ۲۳ آمده است) درحالی‌که در دو کتاب مقدس دیگر، چنین پدیده‌ای دیده نشد. در قرآن و انجیل، مخاطبان خاصی دیده شد که نسبت به آنان جهت‌گیری منفی بود (انجیل ۱ درصد و قرآن ۰،۵ درصد) درحالی‌که چنین مخاطبانی در تورات دیده نشد. رتبه اول مخاطبان انجیل با سهمی برابر ۳۵،۱ درصد، ترکیب یهودیان و مسیحیان تشکیل می‌دهد) از مجموع ۱۰۳۹۶ گزاره‌ها هنجاری استخراجی از سه کتاب مقدس، برای عدم اجرای ۱۴۶۰ گزاره، مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است. به این ترتیب می‌توان گفت که همراه با ۱۴ درصد هنجارهای سه کتاب، نوعی تنبیه و مجازات نیز آمده و در ۸۶ درصد به مجازات اشاره‌ای نشده است. از این نظر تفاوت عمیقی میان سه کتاب وجود دارد آنچنان که سطر جمع جدول ۳-۱۱ نشان می‌دهد ۹۰۴ گزاره از ۴۴۹۰ گزاره قرآن (۲۰،۱ درصد) همراه با مجازات است، درحالی‌که این نسبت در انجیل و تورات، تقریباً نصف قرآن است (انجیل ۱۰،۶ و تورات ۸،۴ درصد) است. در مطالعه حاضر مجازات‌های سه کتاب مقدس به ۵۹ کد معرفی شده است. که جزئیات آن در فصل ۲۴ آمده است. با استفاده از جدول موجود در آن فصل، با توجه به آنکه شاخص درصد حضور مجازات‌ها در قرآن ۹۶،۶؛ انجیل ۷۶،۳ و تورات ۶۲،۷ است، می‌توان گفت که مجازات‌ها در قرآن متنوع‌تر از مجازات‌های انجیل و تورات است.

پاداش‌ها: از مجموع ۱۰۳۹۵ گزاره هنجاری استخراجی از سه کتاب مقدس، برای تبعیت از ۱۳۸۱ گزاره، پاداش‌هایی پیش‌بینی شده است بنابراین همراه با ۱۳،۳ درصد هنجارهای سه کتاب، نوعی پاداش نیز آمده و در ۸۶،۷ درصد فاقد پاداش است. همان‌گونه که سهم مجازات در قرآن بیش از دو کتاب مقدس دیگر است، سهم پاداش آن نیز با ۱۶،۸ درصد، در مقایسه با ۱۵،۰ درصد انجیل و ۶،۷ درصد تورات بیشتر می‌باشد. جزئیات این امر در فصل ۲۵ آمده است. پاداش‌های گزاره‌های هنجاری سه کتاب مقدس، به ۳۶ دسته تقسیم

و با ۳۶ کد شناسایی شد. بر اساس محاسبات مربوط به درصد حضور پاداش‌ها از هر یک از ۳۶ پاداش منعکس در جداول فصل بیست و پنجم، شاخص درصد حضور پاداش‌ها در قرآن ۹۴،۴؛ انجیل ۸۳،۳ و تورات ۶۳،۹ می‌باشد. بنابراین پاداش‌های قرآن نیز متنوع‌تر از انجیل و تورات است.

باید‌ها و نبایدهای ما و معرفت به خدا: ما و معرفت به خدا، به پنج شاخه به شرح زیر تقسیم شده است (اعداد داخل پرانتز، مربوط به کدهای ۲۴۰ گانه‌ای است که گزاره‌ها را علاوه بر مضمون، به «باید و نباید» نیز تقسیم کرده است) ۱. باید‌ها و نبایدهای شناخت خدا (کد ۱ باید‌ها + کد ۷ نبایدها)؛ ۲. باید‌ها و نبایدهای تفکر در خلقت خدا (۲+۸)؛ ۳. روی‌آوری و دوری از خدا و دین او (۳+۹) ایمان و یقین گمراهی، بی‌ایمانی و کفر (۴+۳۵+۵۸)؛ ۵. سایر مصادیق معرفت به خدا و دین او (۶) اگر سایر مصادیق معرفت به خدا و دین او را در نظر بگیریم، هر سه کتاب مقدس، حاوی هر چهار مضمون هنجاری «ما و معرفت به خدا» هستند. اگر به سطر جمع جدول شماره ۱-۴ (جدول شماره ۱ از فصل ۴) نگاه کنیم، خواهیم دید که سهم گزاره‌های باید و نباید ما و معرفت به خدا در قرآن ۱،۷ برابر انجیل و ۱۵،۲ برابر تورات است. از میان سه کتاب مقدس، دو کتاب (قرآن و انجیل) حاوی هر پنج مضمون هنجاری «ما و معرفت به خدا» هستند. تورات در چهار مورد با آن دو کتاب مشترک و در یک مورد متفاوت است. این تفاوت به این دلیل است که در تورات گزاره هنجاری سایر باید‌ها و نبایدهای معرفت به خدا و دین دیده نشد. در بررسی ستون جمع جدول مذکور نیز دیده می‌شود که مقوله «ایمان و یقین-تردید و تکذیب خدا، گمراهی و بی‌ایمانی» با ۵۴۹ گزاره، بالاترین سهم را در این دسته دارد (۵،۳ درصد مجموع گزاره‌ها) سهم بقیه به ترتیب عبارت است از: باید‌ها و نبایدهای شناخت خدا ۱،۱ درصد، باید‌ها و نبایدهای روی‌آوری و دوری از خدا و دین و ۱،۱ درصد، و باید‌ها و نبایدهای تفکر در خلقت ۰،۹ درصد و سایر مصادیق معرفت به خدا و دین ۰،۱ درصد است. در مقایسه سه کتاب و در بررسی مقوله‌های پنج‌گانه تشکیل‌دهنده ما و معرفت خدا نیز ملاحظه می‌شود که باید‌ها و نبایدهای «ایمان و یقین گمراهی، بی‌ایمانی و کفر» در قرآن بیش از انجیل و به مراتب بیش از تورات قابل رویت است (سهم آن در قرآن ۱،۳ برابر انجیل و ۸۲ برابر تورات است) به بیان دیگر، سهم این مضمون در تورات به نحو بسیار چشمگیری کمتر از دو کتاب مقدس دیگر است. اما گذشته از این تفاوت‌های آماری، مشابهت‌های مفهومی قابل توجهی میان این سه کتاب مقدس در حوزه «ما و معرفت به خدا» وجود دارد. مثلاً در آیه ۳۵ سوره ۵ قرآن می‌بینیم که گفته می‌شود: «به خدا تقرب جوید». (۲/۰۳۵/۰۵/۳۳) و مشابه آن را در آیه ۸ فصل ۴، نامه یعقوب در انجیل می‌خوانیم: «به خدا تقرب جوید». (۱/۰۰۷/۰۰۴/۲۵) و در آیه ۹ فصل ششم از تورات (کتاب برشیت) نیز می‌بینیم: «از کسانی که به خداوند تقرب می‌جویند باشید (۱/۰۰۹/۰۰۶/۰۱) به همین ترتیب در آیه ۸ سوره ۶۴ قرآن می‌خوانیم که «به خدا ایمان آورید». (۱/۰۰۷/۰۰۶/۳۳) و مشابه آن را در انجیل می‌بینیم که می‌گوید «به خدا ایمان آورید». (۱/۰۳۸/۰۰۷/۰۹) قرآن می‌گوید بزرگی خدا را چنان که باید،



بشناسید (۰۱/۰۹۱/۰۰۶/۳۳) انجیل نیز سخنی مشابه دارد: «خدای خود را بشناسید (۰۱/۰۲۳/۰۱۷/۰۱) یا هر روز خدا را بهتر بشناسید و در معرفت او رشد و نمو کنید (۰۲/۰۱۰/۰۰۱/۱۷) تورات نیز می‌گوید:

«بدان و قلبت را [به این امر] متمایل کن که از آسمان به بالا و روی زمین به پایین، دیگر خدایی نیست (۰۲/۰۳۹/۰۰۴/۰۵). یا این که قرآن توصیه می‌کند: «از مردمی که می‌گویند: «به خدا ایمان آوردیم» و چون در [راه] خدا آزار کشند، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند، نباشید (۰۱/۰۱۶/۰۰۱/۳۳). قرآن می‌گوید هنگامی که فرعونیان را در حالی که فرزندان اسرائیل را نظاره می‌کردند، غرق کردیم [به یاد آرید] (۰۲/۰۵۰/۰۰۲/۳۳). قرآن هشدار می‌دهد - از کسانی که دل‌های سینه‌هایشان برای اندیشیدن به حق کور است، نباشید (۰۱/۰۲۲،۰۴۶/۳۳) انجیل نیز سخنی مشابه دارد: «از کسانی که نگاه می‌کنند، ولی چیزی درباره خدا نمی‌بینند، نباشید.» (۰۱/۰۱۲/۰۰۴/۰۷) و تورات نیز متذکر می‌شود: «از کسانی که قلب خود را سخت می‌کنند تا به گفته‌های خداوند گوش ندهند، نباشید.» (۰۱/۰۱۱/۰۰۸/۰۲). انجیل می‌گوید از کسانی که به خدا ایمان ندارند، نباشید (۰۱/۰۰۵/۰۰۱/۳۱) قرآن نیز همین کلام را دارد: «از کسانی که به خدا ایمان ندارند، نباشید.» (۰۲/۰۳۸/۰۰۴/۳۳) قرآن می‌خواهد که در ایمان خود، شک کنید (۱۰/۰۰۵/۰۰۵/۳۳) انجیل نیز توصیه می‌کند از کسانی که در ایمان دو دل هستند، نباشید (۰۱/۰۰۷/۰۰۱/۲۵) و انجیل و قرآن هر دو می‌گویند: کفر نگویید (۰۱/۰۲۰/۰۰۱/۲۰) و (۰۱/۰۱۷/۰۰۷/۳۳).

باید و نبایدهای ما و ما و رابطه با خدا: ۵۵۸ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۵،۴ درصد) مربوط به باید و نبایدهای ما و رابطه با خداست. ما و رابطه با خدا، به هشت شاخه به شرح زیر تقسیم شده است (اعداد داخل پرانتز، مربوط به کدهای ۲۴۱ گانه‌ای است که گزاره‌ها را علاوه بر مضمون، به «باید و نباید» نیز تقسیم کرده است): ۱. خشنودی خدا (۱۱)؛ ۲. دوستی و دشمنی با خدا (۲۱+۱۷+۱۲)؛ ۳. باید و نبایدهای ترس از خدا و غیر خدا (۲۲+۱۳)؛ ۴. باید و نبایدهای امید، اعتماد و توکل به خدا (۲۴+۱۴)؛ ۵. شکرگزاری و ناسپاسی از خدا (۴۱+۱۵)؛ ۶. دروغ بستن بر خدا (۱۸)؛ ۷. منافق بودن با خدا و تفرقه در دین او (۴۲+۲۰)؛ ۸. سایر مصادیق باید و نبایدها در رابطه با خدا (۲۵+۱۶) سهم گزاره‌های ما و رابطه با خدا در قرآن ۴،۴ برابر تورات و ۱،۹ برابر انجیل است. از میان سه کتاب مقدس، دو کتاب (قرآن و انجیل) حاوی هر هشت مضمون هنجاری «ما و رابطه با خدا» هستند. تورات در پنج مورد با آن دو کتاب مشترک و در دو مورد متفاوت است. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که در تورات گزاره هنجاری درباره دروغ بستن بر خدا و همچنین منافق بودن با خدا و تفرقه در دین او و سایر مصادیق دیده نشد.

باید و نبایدهای ما و عبادت خدا: ۹۷۳ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۹،۴ درصد) مربوط به باید و نبایدهای «ما و عبادت خداوند» است که به هفت شاخه به شرح زیر تقسیم شده است (اعداد داخل پرانتز، مربوط به کدهای ۲۴۱ گانه‌ای است که گزاره‌ها را علاوه بر مضمون، به «باید

و نباید» نیز تقسیم کرده است): ۱. عبادت، ستایش و پرستش خدا - شرک و بت‌پرستی (۳۶+۳۴+۲۶)؛ ۲. باید و نبایدهای سجده، رکوع و نماز (۳۷+۲۷)؛ ۳.

باید و نبایدهای روزه (۳۸+۲۸)؛ ۴. باید و نبایدهای حج (۳۹+۲۹)؛ ۵. باید و نبایدهای دعا، مناجات، سرود و مزامیر (۳۳+۳۰)؛ ۶. باید و نبایدهای قربانی (۴۰+۳۱)؛ ۷. سایر مصادیق باید و نبایدهای ما و عبادت خدا (۳۳+۴۳) سهم گزاره‌های «ما و عبادت خدا» در تورات ۲،۳ برابر انجیل و ۱،۱ برابر قرآن است. بی‌توجه به سایر مصادیق ما و رابطه با خدا، جز حج که قرآن است، پنج مضمون دیگر در هر سه کتاب مشترک است. سهم گزاره‌های هنجاری مربوط به روزه در هر سه کتاب تقریباً مشابه است.

اما سهم گزاره‌های قربانی در تورات ۷۸ برابر قرآن و انجیل است. همچنین سهم گزاره‌های نماز در قرآن، ۲۶ برابر انجیل و ۱۳ برابر تورات و ۲،۴ برابر قرآن است. علاوه بر این، سهم گزاره‌های هنجاری عبادت، ستایش و پرستش خدا - شرک و بت‌پرستی در قرآن ۳،۴ برابر انجیل و ۱،۹ برابر تورات است.

باید و نبایدهای ما و اطاعت از خدا: ۱۷۴۷ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۱۶،۸ درصد) مربوط به باید و نبایدهای ما و اطاعت از خداست.

باید و نبایدهای ما و شیطان، فرشتگان، مجازات خداوند و جهان دیگر: ۳۶۴ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۳،۵ درصد) مربوط به باید و نبایدهای ما و شیطان، فرشتگان، مجازات خداوند و جهان دیگر است (از آنجا که در تورات گزاره هنجاری درباره تنبیه و تأدیب از سوی خداوند دیده شده - مانند تنبیه خداوند و جهان دیگر عنوان شده، و در ادامه برای اجتناب از اطاله کلام، ما و جهان دیگر گفته شده است.

باید و نبایدهای ما و دیگر انسان‌های مقدس: ۱۳۱ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۱،۳ درصد) مربوط به باید و نبایدهای ما و دیگر انسان‌های مقدس (کاهنان، حواریون، قدیسیان و...) است. در واقع مضمون باید و نبایدهای ما و دیگر انسان‌های مقدس، یکی از متفاوت‌ترین حوزه‌های موضوعی سه کتاب مقدس است. سهم باید و نبایدهای «ما و دیگر انسان‌های مقدس» در مجموع سه کتاب مقدس کاملاً بیش از نبایدهاست.

باید و نبایدهای ما و کتب مقدس: ۳۵۳ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۳،۴ درصد) مربوط به باید و نبایدهای ما و کتب مقدس است که به چهار شاخه تقسیم شده است: ۱. باید و نبایدها در نگاه ما به تورات (کد ۱۰۰+۹۶)؛ ۲. باید و نبایدها در نگاه ما به انجیل (۱۰۱+۹۷)؛ ۳. باید و نبایدها در نگاه ما به قرآن (۱۰۲+۹۸)؛ ۴. باید و نبایدها در نگاه ما به سایر یا جمع کتب مقدس (۱۰۳+۹۹) سهم گزاره‌های «ما و کتب مقدس» در قرآن ۴،۵ برابر انجیل و ۳،۷ برابر تورات است. در هر سه کتاب مقدس، می‌توان گزاره‌های هنجاری درباره ما و تورات یافت. سهم این شاخه از گزاره‌ها در تورات ۵ برابر انجیل و ۲،۷ برابر قرآن و سهم گزاره‌های مرتبط با ما و انجیل بسیار بیشتر از قرآن است (بدیهی است انتظار نمی‌رود که در تورات بتوان گزاره هنجاری درباره انجیل





یافت). قرآن توجه خاصی به بایدها و نبایدهای ما و آن کتاب دارد به گونه‌ای که ۴۸ درصد مجموع گزاره‌های هنجاری آن مربوط به ما و قرآن است. این نسبت حدود ۴۸ برابر سهم انجیل در انجیل و ۳ برابر تورات در تورات است.

بایدها و نبایدهای ما و مکان‌های مقدس: گزاره ۲۹۵ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۲۸ درصد) مربوط به باید و نبایدهای ما و مکان‌های مقدس است که به سه تقسیم شده است: ۱. بایدها و نبایدها در رابطه ما و خانه خدا (کد ۱۰۷+۱۰۴)؛ ۲. بایدها و نبایدها در رابطه ما و مسجد، کلیسا و کنیسه (۱۰۸+۱۰۵)؛ ۳. بایدها و نبایدها در رابطه ما و اشیاء و سایر اماکن مقدس (۱۰۹+۱۰۶) اما می‌توان گفت که در میان سه کتاب مقدس، تورات به مراتب بیش از دو کتاب دیگر به بایدها و نبایدها در رابطه ما و مکان‌های مقدس پرداخته است، به طوری که سهم گزاره‌های این حوزه در آن کتاب ۲۰ برابر قرآن و ۷ برابر انجیل است. به همین ترتیب سهم بایدها و نبایدهای اشیاء مقدس در تورات جایگاه رفیعی دارد، در حالی که سهم این مقوله در دو کتاب دیگر بسیار ناچیز است. انجیل به مراتب بیش از دو کتاب دیگر حاوی هنجارهای مرتبط با عبادتگاه (کلیسا، مسجد، کنیسه و...) است.

بایدها و نبایدهای ما و زمان‌های مقدس: گزاره ۳۰۱ گزاره باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۳۰ درصد) مربوط به باید و نبایدهای ما و زمان‌های مقدس است که به دو شاخه تقسیم شده است: ۱. بایدها و نبایدها در رابطه ما و ماه‌های حرام (کد ۱۱۲+۱۱۰)؛ ۲. بایدها و نبایدها در رابطه ما و اعیاد و ایام مقدس (۱۱۳+۱۱۱) در انجیل کمترین تعداد گزاره هنجاری درباره ما و زمان‌های مقدس می‌توان یافت، درحالی که تورات حاوی بیشترین گزاره‌های هنجاری درباره ما و زمان‌های مقدس است. این وضعیت آن گونه است که سهم گزاره‌های زمان‌های مقدس در تورات ۳۰ برابر سهم آن در هر یک از دو کتاب مقدس دیگر است.

بایدها و نبایدهای ما و خصلت‌های فردی: گزاره ۱۰۲۷ گزاره با مفهوم باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۹،۹ درصد) مربوط به ما و خصلت‌های فردی است که به بیست و دو شاخه به شرح زیر تقسیم شده است: ۱. هنجارهای مرتبط با راستگویی - دروغگویی (کد ۱۶۴+۱۲۵)؛ ۲. خصلت‌های مرتبط با درستکاری - فریب و ریا، فساد و دزدی (۱۲۷+۱۶۷+۱۷۰+۱۸۵)؛ ۳. خصلت‌های مرتبط با وفای به عهد - خیانت (۱۲۸+۱۶۶)؛ ۴. خصلت‌های مرتبط با پاکدامنی - بی‌عفتی (۱۲۴+۱۶۳+۱۷۱)؛ ۵. خصلت‌های مرتبط با پیروی از هوی نفس (۱۷۵)؛ ۶. خصلت‌های مرتبط با دنیاطلبی - دنیاگریزی (۱۷۴+۱۹۷)؛ ۷. خصلت‌های مرتبط با خردگرایی - خردگریزی (۱۳۳+۱۷۲)؛ ۸. خصلت‌های مرتبط با عفو - انتقام جویی (۱۴۰-۱۸۱)؛ ۹. خصلت‌های مرتبط با صلح‌جویی - ستیزه‌جویی، قساوت، ستم، قتل و خونریزی (۱۳۹+۱۸۳+۱۸۲+۱۸۴+۱۸۷)؛ ۱۰. خصلت‌های مرتبط با خشم - کنترل خشم (۱۳۷+۱۷۹)؛ ۱۱. خصلت‌های مرتبط با شادی (۱۳۸)؛ ۱۲. خصلت‌های مرتبط با عدالت‌جویی - عدالت‌گریزی (۱۲۶+۱۶۵)؛ ۱۳. خصلت‌های مرتبط

با اتحاد-تفرقه (۱۴۱+۱۸۸)؛ ۱۴. خصلت‌های مرتبط با صبوری (۱۳۲)؛ ۱۵. خصلت‌های مرتبط با فروتنی - غرور (۱۳۴-۱۷۳)؛ ۱۶. خصلت‌های مرتبط با طمع - قناعت (۱۷۷+۲۲۶)؛ ۱۸. خصلت‌های مرتبط با شجاعت (۱۳۶)؛ ۱۹. خصلت‌های مرتبط با غفلت (۱۷۸)؛ ۲۰. خصلت‌های مرتبط با پندپذیری (۱۲۹)؛ ۲۱. خصلت‌های مرتبط با پاکي - ناپاکی روان و باطن (۱۳۰+۱۶۸)؛ ۲۲. سایر خصلت‌های مثبت و منفی فردی (۱۶۱+۲۰۸).

بایدها و نبایدهای ما و اعمال شخصی: گزاره ۴۳۱ گزاره با مفهوم باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۴،۱ درصد) مربوط به ما اعمال شخصی است.

بایدها و نبایدهای ما و رفتارهای اجتماعی عام: گزاره ۹۶۹ گزاره با مفهوم باید و نباید از ۱۰۳۹۶ گزاره استخراجی از سه کتاب مقدس، (۹،۳ درصد) مربوط به ما و رفتارهای اجتماعی عام است که به دوازده شاخه به شرح زیر تقسیم شده است: ۱. بایدها و نبایدها در ارتباطات (۱۵۹+۲۰۶)؛ ۲. بایدها و نبایدها در معاشرت با دیگران (۱۵۷+۲۰۴)؛ ۳. بایدها و نبایدها در احسان و رسیدگی (۱۴۴+۱۹۱)؛ ۴. بایدها و نبایدها در محبت و نیکی (۱۵۸+۱۵۰)؛ ۵. بایدها و نبایدها در بدی نکردن و نفرت نداشتن (۱۹۰+۲۰۵)؛ ۶. بایدها و نبایدها در امانت‌داری (۱۴۵+۱۹۲)؛ ۷. بایدها و نبایدها در قرض دادن (۱۴۶+۱۹۳)؛ ۸. بایدها و نبایدها در روابط مالی با دیگران (۱۴۸+۱۹۵)؛ ۹. بایدها و نبایدها در قضاوت و شهادت (۱۴۹-۱۹۶)؛ ۱۰. بایدها و نبایدها در مجازات (۱۵۱+۱۹۸)؛ ۱۱. بایدها و نبایدها در وصیت و ارث (۱۴۷+۱۹۴)؛ ۱۲. سایر بایدها و نبایدهای رفتارهای اجتماعی عام (۱۶۲+۲۰۹).

نتیجه

از منظر مطالعات فرهنگی، هسته اصلی هر فرهنگ، مبانی معرفتی آن است و برای شناخت تفاوت‌ها و تشابهات فرهنگی باید منابع معرفت‌آفرین فرهنگ‌ها را مطالعه کرد. از آنجا که متون دینی یکی از اصلی‌ترین منابع معرفت‌آفرین در هر فرهنگ است، بررسی مقایسه‌ای هنجارها (بایدها و نبایدها) در متون مقدس هر دین، اولین قدم برای کشف ریشه‌های همکاری‌ها و منازعات فرهنگی دین‌بنیاد است.

کتاب هنجارها در کتاب مقدس، نخستین پژوهشی است که به بررسی و مقایسه وسیع «بایدها و نبایدها» در تورات، انجیل و قرآن پرداخته و در کنار آن رابطه مجازات‌ها و پاداش‌ها را نیز دنبال کرده است. گفتنی است، این طرح برای نخستین بار با رویکرد کمی و کیفی و به کمک نرم‌افزار mnp انجام شده است.

۱. محمدحسین طباطبایی، قرآن در اسلام، صص ۸۷-۸۵
۲. پاکتچی، تاریخ تفسیر قرآن، ۱۳۸۷، صص ۶۶
۳. (صفار زاده، طاهره، ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید، (انگلیسی و فارسی)، ۱۳۸۰، صص ۷

